

۷ میراث فرهنگی

سه‌شنبه ۵ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۲

سال دوازدهم

شماره ۱۶۲۹

پالایشگاه دقیقاً در مجاورت کارخانه فولاد شادگان است و از نظر اجرایی این پروژه بسیار شبیه کارخانه فولاد است در ادامه با منت گذاری بر سر خوزستان و شادگان اظهار می‌دارد که «سرمایه‌گذار علی رغم وجود امکانات و زمین‌های با مزیت‌های بیشتر در سایر استان‌ها به منظور اجرای طرح در منطقه محروم اقدام به این انتخاب نموده است». واقعا کدام سرمایه‌گذار است که منافع اقتصادی طرح خود را نبیند. این در حالیست که زمین مورد نظر در فاصله اندکی از بندار تجاری در خرمشهر، آبادان، شادگان، سربندر و حتی هندیجان قرار دارد.

اما بهتر نیست که جای چنین صنایع سنگینی در منطقه ویژه اقتصادی و شهرک‌های صنعتی باشد؟

نگارنده نامه به دادستان با صراحت تاکید می‌کند که این پروژه نفتی هیچگونه اسکان انسانی و یا آثار کشاورزی و کشت تا فاصله حداقل ۵ کیلومتری از زمین طرح وجود ندارد، در حالی که در زمان کنونی صنایع مشابه‌ای در سرتاسر خوزستان و ایران وجود دارد که با توسعه روستاها و شهرها، صنایع در سریع‌ترین زمان بخشی غیر قابل جبران از زیستگاه‌های بشری شده‌اند. این ادعای نویسنده این مطلب انتقادی نیست چون خود همان نویسنده نامه تاکید می‌کند که به واسطه میزان اشتغال برآورد می‌شود و چندین شهرک صنعتی موجود با طرح‌های پایین دستی توجیه پذیر اقتصادی فعال خواهند گردید. گفتنی است که پتروپالایشگاه شادگان در صورت کسب کلیه مجوزهای لازم برای ساخت

در طول زمان پروژه ۴۵ ماه و پس از بهره برداری روزانه ۷۰۰۰ تن (۵۰۰ کاتر) محصولات استاندارد پالایشگاهی و پتروشیمی را تولید و به بازار مصرف عرضه خواهد کرد. طراحی این پالایشگاه بر اساس خوراک نفت خام سنگین و ترش امیدیه طراحی شده است. البته باید به گواه متولیان این شرکت یادآور شد که صادرات این نوع نفت خام نسبت به نفت خام سبک کشور همواره با مشکلات فراوان و قیمت نازل و عدم مشتری مواجه بوده و هست.

فعالیت‌هایی عمرانی عرصه و حریم تالاب بین‌المللی شادگان را می‌بلعد

اصرار به اجرای طرح پتروپالایشگاه شادگان

در حریم تالاب بین‌المللی

چرا برای ایجاد صنایع آلاینده در حریم تالاب بین‌المللی شادگان و سکوتگاه‌ها اصرار می‌شود؟



سایر زیرساخت‌ها و احیای هرچه بیشتر تالاب و اجرای

پروژه‌های همخوان با محیط زیست و گردشگری شود، دیگر نیازی به توسعه صنایع آلاینده نیست.

با اینکه در نامه مدیرعامل پترو پالایشگاه شادگان دادستان به استفاده از آخرین تکنولوژی‌های مدرن به منظور کنترل میزان آلایندگی و ضایعات فرآیندی بسیار اندک و ارائه مستندات لازم به وزارت نفت تاکید شده است اما پیشنهاد می‌شود که این مستندات هم برای شفاف سازی در اختیار رسانه‌ها و فعالان و کنشگران

از آلودگی هوا اشاره کرد.

در نامه مدیرعامل پترو پالایشگاه شادگان خطاب به دادستان استان خوزستان تاکید شده است که «به دلیل نیاز مبرم کشور به فرآورده‌ها و محصولات نفتی و پتروشیمی که نیروی محرکه اقتصاد کشور هستند، این شرکت را بر آن داشت تا طرح پتروپالایشگاه شادگان را با ظرفیت روزانه ۵۰۰۰۰ بشکه نفت خام سنگین و ترش (نامرغوب) در شادگان به عنوان یکی از محروم‌ترین شهرستان‌های استان خوزستان به اجرا در بیاورد.»

حالا این پرسش پیش می‌آید که آیا شهرستان شادگان اگر به دلیل ویژگی‌های ممتاز طبیعی و زیست محیطی کلیه برنامه‌ریزی‌های خود را به سمت گردشگری سوق دهد آیا برای تولید درآمد پایدار و ایجاد اشتغال با موفقیت مواجه نمی‌شود که جواب این پرسش قطعا مثبت است.

در حالی مدیران این شرکت آلاینده از ارائه مستندات و مدارک بسیار حجیم و صرف وقت قابل توجه به سازمان و دوائر حاکمیتی برای اخذ مجوز خوراک از وزارت نفت و جواز تاسیس از وزارت صنایع و معدن و تجارت و استعلامات متعدد و موافقت‌های سازمان‌های ذیربط و تمدید آنها سخن به میان می‌آورند که همچنان مجوز نهایی از سوی سازمان محیط زیست و سازمان منابع طبیعی صادر نشده است.

اگرچه مدیران پترو پالایشگاه شادگان از سرمایه‌گذاری قریب به ۱/۲ میلیارد دلار (حدود ۲۵۰ هزار میلیارد ریال) در بزرگترین سرمایه‌گذاری استان خوزستان در دهه اخیر یاد می‌کنند آیا مدیران ارشد کشور توجه کرده‌اند که اگر تنها بخش اندکی از این اعتبار صرف

سفر با عروسک‌های نمایشی و آیینی به چغازنبیل، نخستین اثر ثبت جهانی ایران در یونسکو

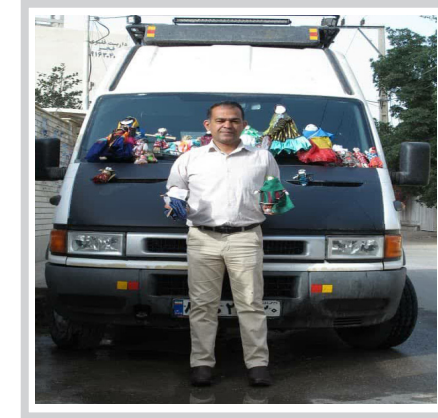
را هم بگویم که بین عروسک‌های آیینی و بازیچه بطور دقیق مرز مشخصی وجود ندارد. عروسک‌ها گاهی به عنوان بازیچه و اسباب‌بازی استفاده می‌شوند اما همزمان دارای ارزش معنوی ومذهبی آیینی هستند. مثالی که می‌توانم از عروسک‌های مجموعه شخصیما بزنم همان خانم لباس سبز «بی‌بی کگ» زرتشتی است که به نیت فرزندخواهی نذر زیارتگاه‌های زرتشتی می‌شود ولی همزمان کودکان نیز با حفظ احترام و نگهداری دقیق با آن بازی می‌کنند.»

از مهرنوش رفیع می‌پرسم که عروسک دست‌ساز بومی چه ویژگی‌هایی از نظر ظاهری، پوشاک، صورت دارند که خاص و یونیک می‌شود: «عروسک بومی، زیر مجموعه هنر قومی است. هنر قومی نوعی هنر سنتی است که ریشه در شیوه زندگی مردم عادی یک ناحیه یا کشور دارد و شامل اشیایی است که به روال سنتی توسط صنعتگران فاقد آموزش رسمی ساخته می‌شود. عروسک‌های بومی بدون در نظر گرفتن سود مالی و یا تولید انبوه صرفا برای سرگرم کردن کودکان ساخته می‌شود. ساخت این نوع عروسک‌ها به منظور کسب درآمد نبوده و بستگی بسیاری به منطقه جغرافیایی، مواد و مصالح طبیعی و مصالح فرهنگی دارد به عنوان نمونه در مناطقی که درخت خرما زیاد است در ساخت عروسک از مصالحی مرتبط با درخت نخل استفاده می‌شود. لباس و ظاهر عروسک‌ها نیز ارتباط مستقیمی با فرهنگ و پوشش بومی منطقه داشته و دقیقا الگوبرداری می‌شود. روش ساخت عروسک‌های بومی اغلب از مادر به فرزند می‌رسید و اغلب این عروسک‌ها را مادران و مادرزرگ‌ها برای فرزندان و نوه‌هایشان می‌ساختند.»

وقتی صحبت‌های این پژوهشگر حوزه عروسک تمام می‌شود خودمان را در مسیر هفت‌تپه به چغازنبیل می‌بینیم. من یادآور می‌شوم که از اهواز می‌توان با قطار به هفت‌تپه آمد و با یک توقف چند ثانیه‌ای سوار یا پیاده شد. در حالی که مسیر ۲۵ کیلومتری از هفت‌تپه به چغازنبیل را طی می‌کنیم تاکید می‌کنم: «هفت‌تپه در زمانی که رئیس هیئت کاوش‌های باستان‌شناسی فرانسه‌ای در شوش بودند و در اواخر قرن نوزدهم میلادی شناسایی و مورد بازدید قرار گرفت. دهه ۱۳۴۰ شمسی بود که با شروع فعالیت‌های کشت و صنعت هفت‌تپه، تیفه بولدوزر به بخشی از طاق یک آرامگاه ایلامی که از آجر ساخته شده بود، برخورد می‌کند. در همان زمان با اقدام به‌موقع مسؤولین وقت تسطیح این بخش از اراضی متوقف و «دکتر عزت‌الله نگهبان» که خود ایشان هم متولد شهر «اهواز» است از طرف مرکز باستان شناسی ایران به منطقه اعزام می‌شود. با بازدید صورت گرفته، کاوش‌های باستان‌شناسی هفت‌تپه در سال ۱۳۴۴ به سرپرستی ایشان و با همکاری دانشگاه تهران شروع که تا سال ۱۳۵۷ هجری شمسی ادامه داشت. پس از یک وقفه طولانی با ایجاد پایگاه میراث جهانی چغازنبیل و هفت‌تپه در سال ۱۳۷۹، مطالعات باستان شناسی هفت‌تپه در چهارچوب بررسی و کاوش گسترده در سطح شهر توسط دکتر «بهزاد مفیدی» از سال ۱۳۸۱ آغاز گردید.» در ادامه به مهمانان قول می‌دهم که اگر فرصت شدد در موقع برگشت از موزه بسیار خوب هفت‌تپه هم دیدن کنیم.

به روستای «خماط» که می‌رسیم ابوعلی و همسرش را مقابل اقامتگاه روستایی می‌بینیم و سلام و علیک می‌کنیم. من برای مهمانان حاضر در ون کمپر، درباره «اقامتگاه روستایی ابوعلی» و «بومگردی چغازنبیل احمد» که حتی خوراکی‌های محلی در آن برای گردشگران پخت می‌شود می‌گویم.

برای بچه‌های داخل ون کمپر از ویژگی‌های طبیعی منطقه



«گروه فرهنگی سراغاز -مجتبی گهستونی

با یک «ون کمپر» که از «تمین» استان «اردبیل» به خوزستان آمده و مهمان هنرمند و پژوهشگری هم است به همراه یک سری مهمان خاص از نقاط مختلف ایران راهی سفر به سمت «چغازنبیل»، نخستین اثر ثبت جهانی ایران می‌شویم.

به ترتیب «بیگک و داماد»، «چولی قزک»، «دهتوک»، «چمچلوسی»، «لعبه»، «بی‌بی کگ»، «چمچه گلین»، «ماروچه»، «بیی»، «بیی»، «بازبازک»، «لیلی یک و دومایک» و خیلی‌های دیگر به همراه «مهرنوش رفیع» که مجموعه‌دار عروسک و پژوهشگر این حوزه است وارد ماشین می‌شوند تا راهی شهرستان «شوش» در شمال غربی خوزستان شویم. دوستان دیگری هم حضور دارند که ما را همراهی می‌کنند.

ما قرار است از اهواز راهی چغازنبیل شویم. پس برای طی ۱۲۰ کیلومتر مسافت باید وارد جاده اهواز شوش اندیمشک بشویم. با عبور از شهر «شاور» و قبل از رسیدن به «هفت‌تپه» وارد جاده اختصاصی چغازنبیل می‌شویم.

من (مجتبی گهستونی) قرار است در شهر باستانی دوراونتاش که نیاشگاه چغازنبیل آنجا واقع شده درباره ارزش‌های تاریخی و فرهنگی این پهنه باستانی برای مهمانانی که همراهم هستند حرف بزنم. قرار است تمام مسیر را «مهدی پدramخو» از چغازنبیل و عروسک‌ها عکس بگیرد.

در حالی که «بابک گرمچی» گردشگر مهمان ما در حال رانندگی است و زیر لب آواز کودکانه «بوی عیدی» را زیر لب می‌خواند، «ژرژ سرکیسیان» که با موسیقی آشنایی دارد با ساز «بلز» که مال یکی از عروسک‌هاست شروع به نواختن می‌کند.

در طول مسیر خانم مهرنوش رفیع درباره عروسک‌ها برای ما توضیح می‌دهد و می‌گوید: «عروسک مدلی از شخصیت انسانی است که به صورت انسان‌نما ساخته می‌شود و اغلب به عنوان اسباب‌بازی کودکان شناخته می‌شود ولی به غیر از بازیچه بودن، از گذشته تا به حال کارکردهای مختلفی از جمله نمایشی و سرگرمی، آیینی، مذهبی و جادویی داشته‌اند که در این بین جنبه آیینی و مذهبی بودنشان در زندگی بشر پر رنگ‌تر بوده است».

رو به عروسک‌ها می‌کنم و در حالی که آنها در تماشای طبیعت پیرامون هستند و برخی هم به‌همدیگر خیره شده‌اند از این مجموعه‌دار عروسک و پژوهشگر می‌پرسم که مثلا کدام عروسک جنبه آیینی و مذهبی بودنش قوی است که دستش را به سمت یکی از عروسک‌ها دراز می‌کند و می‌گوید: «مثل عروسک‌های بارانخواهی که در نقاط مختلف ایران برای طلب باران ساخته می‌شد. البته این

به دست آمده است. یکی از این پیکرک‌های زنان تداعی

کننده مجسمه مفرغی ملکه «ناپیراسو» مکشوفه از شوش است. مهم‌ترین یافته در معابد «ایم» و «شلا» قطعاتی از مجسمه گلی یک گاو نر است، بر روی این مجسمه نام «ایم» الهه ایلامی آمده است. در معابد «شیموت» و «نین الی» نیز چندین پیکر انسانی زنانه و پیکر ک حیوانی مانند سگ و میمون به دست آمد. در معبد «نرپات» که چهار نیایشگاه دارد کف آن‌ها آجر فرش قابل مشاهده است.»

در لابه‌لای سفر همه عروسک‌ها به صورت دسته جمعی با تکی با بخش‌هایی از بنا عکس یادگاری می‌گیرند. در هنگامی که به پایان سفر نزدیک می‌شویم خانم مهرنوش رفیع به معرفی چند عروسک خوش لباس و خوش قد و قامت و مشارکت بیشتری در این بازدید داشتند و پرسش‌های اساسی مطرح کردند می‌پردازد تا ما را بیشتر با آنها آشنا کند.

همراه پژوهشگر ما که مجموعه عروسک‌ها به ایشان تعلق دارد و مدتی هم به صورت مهمان پیش من هم بوده‌اند ابتدا به معرفی خانواده عروسک‌های «بی» می‌پردازد و می‌گوید: «بی را در گذشته در جهیزیه دختران شوشتری و ذرفولی قرار می‌دادند و به‌عنوان سنگ صبور و چشم زخم برای نو عروسان کاربرد داشته. علاوه بر این کاربرد به‌عنوان اسباب بازی نیز استفاده می‌شد.»

اما عروسک «ماروچه» مهمان ما از شمال ایران است. عروسکی از سیاه رودبار استان گلستان که در گذشته با چوب درخت سرخدار ساخته می‌شد. این درخت مختص جنگل‌های هیرکانی است و بدلیل مصرف بی‌رویه از چوب این درخت، در خطر انقراض است و به همین دلیل این عروسک‌ها را با دور ریز چوب‌های دیگر می‌سازند.

این عروسک نمایشنامه‌ای نانوشته بنام زندگی را تمرین می‌کردند. به این صورت که عروسک دختر بچه‌ای، عاشق لیلی یک دختر بچه همبازی‌اش می‌شد و ازدواج می‌کردند و با ساختن عروسک‌هایی با سایز کوچکتر، خانواده عروسکی گسترده‌تر می‌شد و در نهایت وقتی خود دختر بچه‌ها به سن ازدواج می‌رسیدند خانواده عروسکی خود را به خواهران یا دخترهای همسایه می‌دادند.»

و دیگر مهمانی که از دور دست و به قولی سر ایران به خوزستان آمده، عروسک «چمچه گلین» آذری است. چمچه در زبان آذری به معنای قاشق است و چمچه گلین عروسکی است که با قاشق چوبی ساخته می‌شود و در مراسم آیینی بارانخواهی طی مراسمی که برای طلب باران

برگزار می‌شد کاربرد داشته است.

اما یکی عروسک‌های هم استانی ما که اسمش «لعبه» است در نقاطی از خوزستان ساخته می‌شوند. این عروسک‌ها معرف پوشش محلی زنان عرب هستند که شامل پیراهن بلند تور روی پیراهن بنام «توب» و سرپوشی به نام «شیله» است. این عروسک‌ها غالبا اسکلت‌شان از چوب نخل است. لعبه‌های مجموعه مهرنوش رفیع که همراه ما در سفر به چغازنبیل هستند در شادگان، آبادان و شهرک طالقانی بندر ماهشهر ساخته شده‌اند.

در جمع عروسک‌های بازدید کننده چغازنبیل لباس‌های عروسک «دهتوک» را دوست دارم. دهتوک، عروسک بومی سیستان و بلوچستان است که ویژگی بارز آن همین سوزن دوزی‌های بلوچی روی لباس او است.

یک خانواده کامل عروسکی هم با ون کمپر همراهان هستند که به آنها «عروسک‌های رقصان مفصل‌دار» می‌گویم. عروسک‌هایی متحرک که معرف رقص محلی

دستمال بازی عشایر هستند. در این خانواده، عروسک‌هایی از نورآباد استان فارس، دشتستان استان بوشهر، هندیجان در خوزستان در مجموعه شخصی مهرنوش رفیع وجود دارد. اما یک عروسک در جمع ما وجود دارد که آب و هوای روزهای خوب خوزستان مدیون دعاهای او است. «چمچلوسی»، عروسک بارانخواهی بهمان است که از عروسک‌های آیینی محسوب می‌شود. این عروسک در گذشته از چوب رختشور که برای شستشوی لباس استفاده می‌شد ساخته می‌شود. یک عروسک باران‌خواهی دیگر هم از خراسان مهمان ماست که «چولی قزک» نام دارد. یک عروسک لر به نام «بیی اندیمشک» و «بیی دلفان استان لرستان» در سفر به چغازنبیل همراه ما هستند که معرف پوشش قوم لک و لرهای فیلی می‌باشند. البته نمونه‌ای از این عروسک هم در بروجرد احیا شده که نماد پوشش زنان لر در استان لرستان است. این عروسک‌ها عمدتا بازیچه و اسباب‌بازی هستند.

از مهرنوش رفیع درباره عروسکی که به همراهان است و بی‌چهره می‌باشد می‌پرسم و او «بیگ» را اینگونه معرفی می‌کند: «عروسک بیگ استان بوشهر جز عروسک‌های بی‌چهره بوده و اسکلتشان چوبی یا تک چوب یا صلیبی است و به عنوان اسباب بازی استفاده می‌شدند. از عروسک‌های بی‌چهره که در مجموعه من وجود دارد می‌توانم به «بویگ» بندر دیر، «بیگ» بندر دیلم و «بیگ» کنگان و آبپخش اشاره کنم.»

اما آخرین عروسکی که به جمع ما معرفی می‌شود عروسک «بی‌بی کگ» است که همچون مادر به همه عروسک‌های کم سن و سال‌تر نگاه می‌کند. بی‌بی کگ، مهربون‌به زشتیان است و زنانی که بچه‌دار نمی‌شدند به نیت فرزند آوری این عروسک‌ها را می‌ساختند و در زیارتگاه‌ها قرار می‌دادند.